



آثار باقیمانده از کتاب «تاریخ نیشابور»

رسول جعفریان

ژوئیه ۱۳۸۸ شماره ۱۰

اصطلاح ما نیست؛ بلکه به عنوان یک سنی علاقه مند به اهل بیت (ع) و بیزار از دشمنان آنان باید شناخته شود؛ امری که در قرون نخستین سبب می شد تا امثال وی را به تشیع متهم کنند.

علاقه او به اهل بیت تا بدانجا بود که کتابی تحت عنوان **مفاخر الرضا** نگاشت (و شاید این اثر، بخشی از تاریخ نیشابور او بوده باشد).

اثر مهم او **تاریخ نیشابور** است که تا ۵، ۶ قرن قبل در دسترس دانشمندان اسلامی قرار داشته؛ اما اینک در میان ما نیست. این امر برای همه عالمان تأسف باراست؛ بویژه برای ما ایرانیان که چنین اثر پرارچی را از دست داده ایم. با این همه، بسیاری از مؤلفان پس از وی، از این کتاب بهره برده و نقلهای فراوانی از آن را در کتب خود آورده اند. بازسازی این کتاب با فراهم آوردن این نقلها تا حد زیادی امکان پذیر است.

مطلبی که در ادامه می آید ترجمه بخشی کوتاه از کتاب **مؤلف الخطب البغدادی فی تاریخ بغداد** اثر دکتر اکرم ضیاء العمری (ریاض ۱۴۰۵) (صص ۲۶۷-۲۷۴) است که بخشی از قطعات برجای مانده این اثر را یادآور شده است. در ادامه گفتار وی، تکمله ای نیز از ما خواهد آمد که تعداد دیگری از نقلهای این اثر را شناسانده ایم.

درباره «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری

ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن احمد معروف به حاکم نیشابوری (م ۴۰۵) از برجسته ترین عالمان و محدثان قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری به شمار می آید. تمامی شرح حال نویسان از عظمت و برجستگی وی یاد کرده و به ستایش از علم و دانش او پرداخته اند. در میان آثار وی از همه شناخته شده تر **المستدرک علی الصحیحین** است که در چهار مجلد به چاپ رسیده است. وی با وجود آنکه از عالمان اهل سنت و تابعان مکتب جماعت است در یک زاویه با اکثر آنان متفاوت است. به واقع با اینکه اکثر قریب به اتفاق اهل سنت، اهل بیت رسول خدا (ص) را دوست می دارند؛ اما جز به طور محدود، بقیه به دشمنان اهل بیت به ویژه معاویه نیز علاقه مندند و منافاتی نیز میان این دو امر نمی بینند. حاکم از آن دسته ای است که علاوه بر دوستی شدید اهل بیت (ع)، نسبت به دشمنان صریح و سرراست آنان یعنی معاویه و دیگر امویان «تبری» دارد؛ او به همین دلیل آزار و اذیت زیادی از ستیان اموی کشید، اما با این حال از «ستن شیعی - علوی» خود دست برنداشته و تا به آخر بدان وفادار ماند. این امر سبب شد تا تراجم نگاران سنی او را شیعه قلمداد کنند و البته روشن است که او شیعه بر طبق

با نوشتها:
 ۱- الذهبی، تذکره الحفاظ ص ۱۰۳۹.
 ۲- الخطیب، تاریخ بغداد ج ۵ صص ۴۷۳، ۴۷۴.
 ۳- الذهبی، تذکره الحفاظ ص ۱۰۴۳.
 ۴- الخطیب، تاریخ بغداد ج ۵ ص ۴۷۳.
 ۵- این کتاب در فاصله سالهای ۱۳۳۴ - ۱۳۳۲ ق در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است.
 ۶- یاد المدخل الی الاکلیل؛ این اثر در سال ۱۹۳۲ م در حلب تحت عنوان «المدخل الی اصول الحديث» با تحقیق: محمد راغب الطیاح؛ چاپ شده است.
 ۷- در سال ۱۹۳۵ م با تحقیق: دکتر معظم حسین چاپ شده و مکتب البخاری بیروت آن را افست کرده است.
 ۸- نسخه دستنوشته آن در دارالکتب الظاهره دمشق به شماره: حدیث ۳۸۸ (ق ۱-۳۰) موجود است. نک: الالبانی: فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهره ص ۲۵۳؛ برو کلیمان: تاریخ الادب العربی ص ۲۱۷، نسخه ای از آن در ۵۵ برگ در «مکتبه التکیه الاخلاصیه» در حلب، با عنوان «المدخل الی معرفة الصحیحین» موجود است (بر اساس گفته محمد راغب الطیاح در پایان کتاب «المدخل فی اصول الحديث» از حاکم ص ۲۶).
 ۹- حاکم؛ تسمیه من اخرجهم الشیخان البخاری و مسلم ق ۲۰۲.
 ۱۰- نسخه دستنوشته در: شهید علی ۳۴۶/ب در ۷۴ برگ (سزگین، تاریخ التراث العربی ج ۱ ص ۵۴۴).
 ۱۱- نک: سزگین، تاریخ التراث العربی ج ۱ ص ۵۴۶.
 ۱۲- این مختصر به کوشش بهمن کریمی (تهران ۱۳۳۹) چاپ شده و فرای در مجموعه «تواریخ نیشابور» آن را مجدداً به چاپ رسانده است.



حاکم نیشابوری بر این باور است که او نخستین کسی بوده که تاریخی درباره نیشابور نگاشته است - ابو یعلی خلیلی نیز او را در این باره تأیید می کند ۱۷ - به همین دلیل است که او کتاب خود را به عنوان ذیلی بر کتاب دیگر نوشته است . بدین ترتیب کتاب او را شرح حال متقدمان از صحابه و تابعین آغاز کرده و کار را تا سال ۳۸۰ ادامه داده است . باید گفت که حاکم از تاریخ نیشابور عبدالله بن علی بن جارود نیشابوری (م ۳۲۰) غفلت کرده است . ۱۸ دسوار است پیذیریم که او از آن آگاهی نداشته؛ جز آنکه چون آن را سزاوار یاد کردن نمی دانسته، از آن نام نبرده است .

حاکم درباره علت تألیف تاریخ نیشابور می گوید: برای هریک از شهرهای خراسان و ماوراء النهر کتابی به قلم عالمی از آن شهر تألیف شده است . من دیدم برای نیشابور با وجود فزونی علمای آن کتابی تصنیف نشده و این امر مرا بر آن داشت تا «تاریخ نیشابوری ها» را بنگارم . ۱۹

مختصری از تاریخ نیشابور (به فارسی) بر جای مانده ۲۰ که در این مختصر تنها از اسامی افراد، یاد شده و بدین ترتیب نمی توان به کمک آن به ارزشیابی مواد کتاب پرداخت . در عین حال از این مختصر تعداد شرح حالهایی که حاکم نگاشته، به ترتیب و طرح اصلی کتاب می توان پی برد . او از «خراسان» آغاز کرده و از آیات و اخباری که در فضل آن رسیده یاد می کند . آنگاه از صحابه و تابعین و دیگر کسانی که در پی آنها در این شهر سکونت گزیده، به آن وارد شده یا در آن حدیثی نقل کرده و از دیگر علمای نیشابور یاد می کند و آنها را در هشت طبقه قرار می دهد . ۲۱

تعداد شرح حالهایی که در تاریخ نیشابور آمده بالغ بر ۲۶۹۸ مدخل است . اگر این تعداد بر چهار قرن تقسیم شود - چهار قرنی که تاریخ نیشابور به آن پرداخته - تعداد دانشمندانی که در قرن اول در نیشابور می زیسته یا به آن وارد شده اند ۱۰۰۰ عالم است . در قرن دوم ۸۸، قرن سوم ۱۱۳۵ و در قرن چهارم ۱۳۵۷ عالم در آن زندگی کرده یا از این شهر دیدار کرده اند . این ارقام نشانگر رشد تدریجی حرکت فکری و تعداد عالمان نیشابوری است؛ به گونه ای که تعداد دانشمندان مهاجر به این شهر در قرن سوم و چهارم رو به افزایش نهاده است . ۲۲

تردید وجود ندارد که بررسی قطعات نقل شده از تاریخ نیشابور در دیگر کتابها می تواند در ارزشیابی دقیق تر آن به ماکمک کند . در این باره، تاریخ بغسلاد مقدم بر دیگر کتابهاست . خطیب بغدادی ۴۶۴ مورد از این کتاب نقل کرده که در ۲۳ مورد با کلمه «ذکر» مطلب را نقل کرده که نشان می دهد نسخه ای از تاریخ نیشابور را در دست داشته و از آن نقل کرده است . دیگر موارد را از طرق متعددی روایت کرده است . ۲۳

حاکم نیشابوری برخی از این موارد را بدون اسناد نقل کرده؛ اما در برخی موارد آنها را با نام تعداد زیادی از شیوخ خود مسند کرده است، شناخته ترین این افراد عبارت اند از: (بوعلی حسین بن علی حافظ (۲۸ مورد)، علی بن عمر دارقطنی حافظ (۱۲ مورد)، ابو جعفر محمد بن صالح بن هانی (۱۰ مورد)، محمد بن یعقوب اصم (۷ مورد) صالح جزره - که حاکم از او به واسطه علی بن محمد بن حسین مروزی (۳۲ مورد) و عباس بن مصعب صاحب تاریخ مرو که حاکم از طریق قاسم سیاری - عیسی بن محمد بن عیسی (۹ مورد) درباره رجالی که مربوط به مرو هستند از او روایت می کند؛ حسین بن محمد بن زیاد - که حاکم از طریق محمد بن

«تاریخ نیشابور» از زبان مؤلف «موارد الخطیب . . .»

ذهبی، حاکم نیشابوری را «امام محدثان» دانسته؛ خطیب، وی را توثیق کرده و تمایل او را به تشیع یادآور شده است . ۲ عبدالغافر بن اسماعیل نویسنده کتاب السیاق درباره تألیفات او می نویسد:

تألیفات وی در زمینه «تخریج صحیحین» «جرح و تعدیل» «تراجم» «ابواب» «شیوخ» و مجموعهات از قبیل «معرفة علوم الحديث و مستدرک الصحیحین و تاریخ نیشابور و کتاب مزکی الاخبار و المدخل الی علم الصحیح و کتاب الاکلیل و فضائل الشافعی و جز آن بوده و چه بسا تا هزار «جزء» برسد . ۳ حاکم نیشابوری دوبار یکی به عهد جوانی و دیگر زمانی که سنی از او گذشته بود به بغداد در آمد . ۴

تألیفات وی که به دست ما رسیده عبارت اند از: المستدرک علی الصحیحین ۵، المدخل الی معرفة الصحیح و السقیم من الاخبار المرویه ۶ معرفة علوم الحديث ۷ و سی برگ از کتاب تسمیه من اخرجهم الشیخان ۸ به روایت «ابوبکر عبدالله بن الحسین بن عقاب الصقلی - ابو العباس احمد بن محمد النسوی و ابو سعید عمر بن محمد بن داوود السجزی» .

ابو عبدالله الحاکم در این اثر نام افراد را به صورت الفبایی آورده بدون آنکه حدیثی از آنان نقل کرده یا شناختی از آنان به دست بدهد . ۹ همچنین کتاب دیگر او المدخل الی معرفة الصحیحین ۱۰ و نیز برخی از «سؤالات»، «فوائد» و «حدیث» ۱۱ او به دست ما رسیده است . اما کتاب تاریخ نیشابور او مفقود شده و تنها مختصری از آن باقی مانده است . ۱۲ سخاوی و سیوطی گفته اند که در شش مجلد است . ۱۳ سخاوی می گوید که نسخه ای از آن را در دست دارد . این در حالی است که بیهقی می گوید که کتاب مذکور در دوازده جزء است . ۱۴ سمعانی آن را در هشت جزء می داند . ۱۵ به احتمال، اختلاف میان این نقلها به آگاهی آنان از نسخه های متعدد باز می گردد .

حاکم شرح حال افراد را مفصل تر از آنچه خطیب در تاریخ بغداد به دست داده آورده است . سبکی در علت این مسأله می گوید: نیشابور در گذشته از بزرگترین شهرها و با عظمت ترین آنها بوده و بغداد چنان نبوده است، و ابو عبدالله حاکم نیشابوری تاریخی برای آن نگاشته که برگزیدگان از حفاظ در برابرش خاضع اند و این تاریخ به عقیده من «سید التواریخ» است . تاریخ خطیب نیز گرچه در شمار کتابهای اسلامی نیکوست؛ جز آنکه کار بر مؤلف آن درازا گشته؛ و این از آن روست که بغداد، گرچه در پیدایی پس از نیشابور قرار دارد؛ اما علمای آن کهن ترند؛ چرا که آنجا مرکز دانش و جایگاه ریاست بوده و این قبل از آنی است که نیشابور اوج بگیرد . به علاوه حاکم نیشابوری مدتها پیش از خطیب می زیسته و خطیب پس از وی آمده است، و این زمانی است که تعداد بی شماری از عالمان به بغداد در آمده و این، خطیب را به نوعی اختصار در شرح حال نویسی واداشته است؛ اما حاکم به گستردگی، از استادان خود و استادان آنها و کسان دیگر که معاصر وی بوده اند یاد می کند . این به دلیل قدمت حاکم از یک سو و کثرت علمای نیشابور در عهدی متأخر بوده است . بنابراین وقتی عدد افراد محدود شده او در گفتگو درباره آنان به تفصیل سخن گفته و در شرح حالها به درازگویی پرداخته است و البته خطیب در این باره معذور بوده است . ۱۶

۱۳ - السخاوی، الاصلان من ۶۵۲، سیوطی، بغية الوعاة ج ۱ ص ۶ (چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، الکتانی، الرسالة المستطرفة ص ۱۳۳ .

۱۴ - بیهقی، تاریخ بیهقی ص ۲۱ و نک:

Sezgin, GESCHICHTE, BANDI, P.353.

۱۵ - سمعانی، الانساب ق ۵۷۲ .

۱۶ - السبکی، طبقات الشافعية ج ۱ ص ۱۷۳ و برای نمونه های شرح حالهای مفصل نک: ابن حجر، تهذیب التهذیب ج ۱ ص ۷۹۲ .

۱۷ - ابو یعلی الخلیلی، الارشاد الی علماء البلاد ق ۱۷۳ و ۲ .

۱۸ - الکتانی، الرسالة المستطرفة ص ۱۳۰ .

۱۹ - الخلیلی، الارشاد الی علماء البلاد ق ۱۷۳، ۲، و نک: الذهبی، تذکره الحفاظ ص ۱۰۴۲ (به نقل از خلیلی).

۲۰ - این مختصر، کار احمد بن محمد بن الحسن بن احمد معروف به «خلیفة تونس» است که بهمن کسری می آن را چاپ کرده است (تهران ۱۳۳۹) و فرای مجددا آن را در «تواریخ نیشابور» چاپ کرده است .

۲۱ - اکرم العمری، بحوث فی تاریخ السنة المشرقة ص ۱۵۱ .

۲۲ - این استنتاج با توجه به جدالی که طراحی شده در اثر ذیل آمده است Richard w, Bul- liet, Aquantitative approach to medieval muslim biohical, p.196.

(مترجم: این اثر با عنوان «فروش به اسلام در قرون میانه» چاپ و توسط نشر تاریخ منتشر شده است.)

۲۳ - سمعانی در «التحیر» ترجمه شماره ۱۳۴ سند نسخه ای را که اجازه روایت آن را از طریق ابوالفضل حسین بن حسن صاعدی از ابی بکر حیسری از حاکم به دست آورده یاد کرده است .



ابراهیم بن فضل مزکی از او (در ۱۰ مورد) نقل می کند.

مواردی که خطیب از تاریخ نیشابور برگرفته درباره محدثان نیشابوری و کسانی است که بدین شهر در آمده اند از جمله مطالبی در جرح و تعدیل آنان، عقاید و مواضع آنها در جریان «محنة» در زمان مأمون و معتصم، موقعیت و اخلاق و مقایسه عالمان با یکدیگر، دانش و مصنفات و تاریخ تولد و درگذشت و محل درگذشت آنها و بعضاً محل تولدشان، کتبه و نسبت و شیوخ و مسافرتها و دیگر اخبار و احیانا حکایاتی از آنها ۲۴ یا حادثه شیرینی که برای آنان رخ داده ۲۵ آورده است. او به ندرت حدیث نبوی یا شعری نقل می کند. ۲۶

آنچه قابل ذکر است این که خطیب، نام حاکم را در بیشتر مواضع، محمد بن نعیم ضبی آورده، بدون آنکه از او با عنوان حاکم نیشابوری یاد کند. ابن حجر عسقلانی این مطلب را یادآور شده است. ۲۷

تاریخ نیشابور حاکم منبع مهمی برای مصنفات بعدی رجال و تراجم درآمد و پس از خطیب ۲۸ بیشترین نقل از آن کتاب را سمعانی، قفطی و یاقوت آورده اند. موارد دیگری را نیز کسان دیگر آورده اند.

ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی نیشابوری (م ۵۲۹م) ذیلی با عنوان کتاب السیاق بر تاریخ نیشابور نوشته است. ۲۹ همین طور ابوبکر محمد بن موسی الحازمی (م ۵۸۴) آن را تلخیص کرده و آن را «مقتضب تاریخ نیشابور» نامیده است. ۳۰ حافظ ذهبی نیز به تلخیص آن پرداخته است. ۳۱

باید دانست که خطیب از تاریخ نیشابور عبدالله بن علی بن جارود (م ۳۰۷) بهره نبرده و این یا به دلیل بی نیازی از آن بود (با وجود تاریخ حاکم) و یا بدان جهت بود که کتاب دردسترس نبوده است.

موارد تاریخ نیشابور که در آثار بعد از آن آمده است:

مواردی که سمعانی نقل کرده به شرح ذیل است:

الانساب

ج ۱ صص ۱۰، ۱۳، ۶۶، ۶۹، ۷۶، ۱۲۷، ۱۵۸، ۱۷۶، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۶۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۶، ۳۱۶، ۳۶۵.

ج ۲ صص ۲۶، ۱۹۸، ۱۹۰، ۱۹۸، ۲۲۶، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۷۴، ۳۵۵، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۰۱، ۴۱۳.

ج ۳ صص ۴۳، ۷۵، ۸۱، ۱۶۶، ۱۸۱، ۲۰۱، ۲۰۶، ۳۰۹، ۳۲۱، ۳۴۴، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۹، ۴۰۱.

ج ۴ صص ۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۲۳، (موردی مفصل)، ۲۵، ۶۳، ۷۸، ۸۰، ۹۴، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۸۹، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۲۲، ۲۴۴، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۳.

ج ۵ صص ۱۳، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۵۵، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۷۲، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۴۲، ۲۷۷، ۲۷۸، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۵۴، ۳۵۹، ۴۲۴، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴.

ج ۶ صص ۴۴، ۶۹، ۷۱، ۹۱، ۱۰۲، ۱۲۱، ۱۴۵، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۷، ۲۸۲، ۳۰۷، ۳۲۱، ۳۶۶، ۳۶۹.

[مترجم: موارد مزبور بر اساس چاپ انساب در هند است که ۱۵ مجلد می باشد و مؤلف بقیه مجلدات را نیاورده است.]

ابن عساکر، تاریخ دمشق:

ج ۱ صص ۳۳۳، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۶، ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۲۰، ۴۵۷.

ج ۱۰ صص ۷۰، ۲۱۵.

[مترجم: مولف تنها از دو جلد تاریخ دمشق موارد فوق را یاد کرده در حالی که تعداد زیادی از مجلدات دیگر چاپ شده نیز دربرگیرنده مواردی از تاریخ نیشابور است و باید موارد آنها استخراج شود.]

ابن فوطی نیز در کتاب تلخیص مجمع الادب ج ۴ قسم ۲ صص ۹۳۵ و ۹۳۸ مواردی از تاریخ نیشابور اقتباس کرده است. موارد دیگری نیز در این کتاب آمده که برای آن به فهراس ج ۴ آن کتاب می توان مراجعه کرد.

ذهبی، تذکره الحفاظ؛

۵، ۵۶، ۸۳، ۱۸۰، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۷۸، ۲۷۹، یادآور

شده که شرح حال مفصلی از عبدالله بن مبارک در تاریخ نیشابور آمده؛ ۳۱۲، ۳۹۲، ۴۹۷، ۵۲۹، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۸۵، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۷، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۳۴، ۶۳۸، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۵، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۶، ۶۹۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۸، ۷۱۹، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۸، ۷۲۹، (این

مورد از کتاب علوم الحدیث حاکم نقل شده) ۷۳۰ (که در آنجا از شرح حال مفصل این خزیمه که به قلم حاکم نوشته شده یاد می کنند) ۷۳۳، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۹، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۴، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۷، ۸۳۵، ۸۴۰، ۸۵۵، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۴، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۵، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰



بعدمی باشد. شماره این احادیث عبارت اند از: ۴۶۷۳، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۷۸، (باتصريح به اینکه در تاريخ نیشابور نقل کرده)، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، (نقلی از حاکم درباره فضیلت امام رضا(ع) و تشیع او در دوستی اهل بیت)، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، (برخی از این موارد احادیثی است که در مستدرک حاکم آمده و محقق کتاب فرائد محل آنها را در پاورقی مشخص کرده است). ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰.

۴- از دیگر عالمان شیعی که از حاکم نیشابوری نقل کرده است ابو جعفر محمدبن علی طوسی معروف به ابن حمزه از عالمان قرن ششم هجری است. نکته ای که از نقلهای وی به دست می آید آن است که حاکم کتابی با عنوان *مفاخر الرضا* داشته که با توجه به یاد نکردن از آن در مصادر شرح حاکم، باید آن را کتاب ناشناخته و با ارزشی از وی دانست موارد نقل شده در کتاب این مولف یعنی *الشاقب فی المناقب* (قم ۱۴۱۲ با تحقیق: نبیل رضا علوان) عبارت است از: صص ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۹۶ (تصریح کرده که عبارت او را مختصر کرده است)، ۵۴۶، ۵۴۷.

۵- نویسنده دیگری که از تاریخ نیشابور نقل کرده ابوعلی فضل بن حسن طبرسی در کتاب *اعلام الوری* صص ۳۲۸ می باشد. محتمل است که در بخش اخبار مربوط به حضرت رضا(ع) موارد دیگری را نیز از آن نقل کرده باشد؛ اما سند و منبع آن را نقل نکرده باشد. مورد مذکور را اربلی نیز از طریق طبرسی در *کشف الغمّه* ج ۲ صص ۳۱۳-۳۱۴ آورده است.



ابن ماکولا، *الاکمال* ج ۱ صص ۴۰۹، ۴۳۳، ۵۱۵؛ ج ۲ صص ۸۳، ۱۰۸، ۲۰۱، ۲۵۹.

ابن حجر، *تهذیب التهذیب* (به عنوان مثال): ج ۱ صص ۲۲، ۱۲۷؛ ج ۲ صص ۸۲، ۸۹، ۳۶۹. ابن حجر در *تهذیب التهذیب* موارد زیادی از حاکم نقل کرده؛ اما برخی از آن موارد از تاریخ نیشابور نیست.

ابن حجر، *الاصابه*؛ ج ۱ صص ۹۳، ۳۷۱، ۴۵۹؛ ج ۲ صص ۲۴۱، ۲۸۹، ۲۹۲، ۴۸۶؛ ج ۳ صص ۱۸۲، ۲۸۵، ۳۴۶، ۳۶۵، ۵۰۶، ۵۷۷، ۵۹۷، (و نیز: *نکت الظرائف*، نک: *فهارس آن*).

سیوطی، *بغیة الوعاة* ج ۱ صص ۳.

الداودی، *طبقات المفسرین* ج ۲ صص ۱۱۰.

المجلسی، *بحار الانوار*. ج ۴۹ صص ۱۲۶، ۲۹۳، ۲۹۴.

تکملة مترجم:

با نگاهی به آنچه مؤلف مقاله درباره قطعات نقل شده از تاریخ نیشابور در برخی مراجع آورده^۱ چنین به دست می آید که می توان این تاریخ را تا حدود زیادی «بازسازی» کرد. بنده در صدد این کار نیستم؛ اما به اختصار به آنچه در یکی دوسه کتاب دیگر آمده اشاره می کنم و امید آن را دارم که روزی موسسه ای نظیر بنیاد پژوهشهای اسلامی یا جایی دیگر، فرد یا افرادی را برای چنین کار سترگی بگمارد و این اثر با ارزش را در تاریخ نیشابور، این شهر با عظمت که روزگاری محور فرهنگ و تمدن خطه خراسان بوده احیا نماید.

۱- یکی از دانشمندان شیعی که از تاریخ نیشابور بهره برده علی بن موسی بن طاووس ملقب به سید ابن طاووس (م ۶۶۴ق) است. وی در برخی از آثار خود از این کتاب نقل کرده است. این موارد که گزارش تفصیلی آن را کلبیگ آورده بدین قرار است:

فلاح السائل (تهران ۱۳۸۲ ق) صص ۶۹ (بحار ج ۸۵ صص ۳۲۹ و *مستدرک الوسائل* ج ۵ صص ۳۹، مورد دیگری را از طریق *فلاح السائل* از تاریخ نیشابور نقل کرده اند که در متن باقی مانده *فلاح* نیامده است.)

اقبال الاعمال (تهران ۱۳۱۴ ق) صص ۱۵-۱۶، ۲۹، ۲۵۳، ۳۶۴؛ *محاسبة النفس* (تهران ۱۳۴۹) صص ۳۶؛ *فرج المهموم* (نجف ۱۳۶۸) صص ۱۸۴-۱۸۶-۱۸۷-۲۱۲-۲۱۳؛ *سعد السعود* صص ۶۶.

۲- مؤلف دیگر شیعی که تنها یک مورد از آن نقل کرده علی بن عیسی اربلی در کتاب *کشف الغمّه* است وی در ج ۲ صص ۳۰۸ (تبریز ۱۳۱۸) روایتی را که پیش از آن در تاریخ نیشابور دیده بوده، از آن نقل می کند.

۳- نویسنده دیگری که به تفصیل از تاریخ نیشابور نقل کرده، ابراهیم بن محمد بن المؤید الجوینی الخراسانی (۶۴۴-۷۳۰) است. وی در کتاب *فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم علیهم السلام* قطعات فراوانی از حاکم نقل کرده است. بیشتر این اخبار در شرح حال امام رضا علیه السلام است که بعضاً آنها را از شیخ صدوق رحمة الله علیه روایت کرده است. روایتی که از حاکم نیشابوری نقل شده در مجلد دوم *فرائد السمطین* از صص ۱۷۵ به

۱- با کمال تأسف باید گفت مؤلف با اینکه تعداد نقلهای خطیب بغدادی را از تاریخ نیشابور به عدد یاد کرده (۴۶۴ مورد) اما تک تک مجلدات و صفحات آن را به دست نداده است!

۲- کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، (قم ۱۳۷۱) صص ۵۷۱-۵۷۳.

۳- در این باره نک: مقاله ما تحت عنوان «علی بن عیسی اربلی و کشف الغمّه» (قم ۱۳۷۲) کنگره شیخ مفید صص ۶۲.